

که حق سبحانه و تعالی گفته است که کتاب من در حق می ارجسته المیل نام عشق  
و هر وی گفته که نمی عرف بود مرا بدم نام بود و بشام عارم بعضی زین طایفه  
گفته اند که بشام از آن عارف بود که عارفان را با عابدان به ترویجی عارفان  
بودی و همرا او سلیمان گفته است تا بیست تحقیق فی قلبی از همین بومها اهل عرف  
همان آن نصل یعنی الی باشد هادی کتاب و السنه و هر وی گفته که هر چیزی که تراز  
حق سبحانه مشغول کند بر تو شومست و هر چیزی که آخری تو از حق بماند و خوبی  
تو با اسباب کند تزلزل شمن است و هر کسی که از تو برآید در غفلت نه در یاد حق نجو  
مربوع است و هر وی گفته **شیعه** اذ اکل قنق من القنق **ضیال الخیر**  
من لویج **اجره نبطی** اجرای گوید که او سلیمان را گفت که در جملات نمازگاه  
ان ان لذت یافتیم بر سید که سب لذت بود گفتیم که هر چه کن ندید با آنک ضعیف  
خطر بقیات دکا مخلوق و هم وی گفته ابلغ لا شیئا فيما بین الله و بذراع الصد  
الحاسه تا وین احمد وانی **رحمه الله تعالی** وی مراد را سلیمان را با او است  
و صاحب ریاضت عظیم بود و با او سلیمان صحبت داشته بود و سخنان وی معانی  
مشایخ آن بلاد روی بود احمد نبطی اجرای گوید از او پرسیدم که چه کویی در دنیا  
که اول خویشاں است. بگفت که هست آن دل ضعیف و سها بود و با او معاشرت باید کرد  
**ابو سلیمان داود بن فضل الطبری** قدس سره انطقه او است از کبریا مشایخ و ما  
اهل تصوف بود و در زمان خردی بلیطه شاکر **ابو حنیفه رضی** الله عنه بود و از اهل

بسیار حواشی در حاشیه راست این صفحه درج شده است. در این حواشی، به تفسیر کلمات و عبارات موجود در متن اصلی پرداخته شده است. همچنین در برخی موارد، روایات اضافی یا توضیحات دیگری درج شده است. این حواشی به گونه‌ای نوشته شده است که با خط اصلی متن در هم آمیخته نشده است.

بسیار حواشی در حاشیه بالا و راست این صفحه درج شده است. این حواشی به تفسیر و توضیح کلمات و عبارات خاص در متن اصلی می‌پردازد. در این حواشی، به سبب و علل برخی از روایات و نیز به بیان ویژگی‌های خاص برخی از شخصیت‌های ذکر شده در متن پرداخته شده است.

فضل و ابراهیم ادهم و غیر ایشانست و در تطبیق من بدحیث را می بود و در جمله  
علوم حفظ و افترا داشت و بدو عجب بود و در تفقه فقه الفقه بود عزت اختیار کرده  
و از بر اینست اعتراض نمود و طریق زهد و ورع و تقوی پیش گرفت وی را فضا ایلیا  
و منافع مذکور وی گفته من بدی با دان اردت السلامه سلم علی الذی اوان  
ارزت الکرامه کبره علی الاخره ای بسیار از سلامت خواهی دنیا و طاعت کن و اگر  
کلمات خواهی آخرت تکبیر کنی و از معروف کجی روایت کن که گفت هیچکس را  
ندیدم که دنیا را در چشم وی قدر و خطر کمتر بود از داد و طایبی که همه دنیا را  
واهل او بر ندید و بی هیچ مقدار بی نبود و در فقرا بیستم کمال تکلیفی که پیچ  
برافت بود ندی **ابراهیم ادم قدس سره** **قال رحمه الله** انطقه اولی است  
کنیت وی ابو اسحق است و بسا ابراهیم بن ادهم بن سلیمان بن منصور بود  
البلخی از انبای ملوکست در نجافی نوبه کرد و وقتی بصدید بدون رفته بود ها لقب  
آواز داد که ابراهیم به برای از کافه ائمه بی را که هی پدید آمد دست  
در تطبیق نیکو بود بلکه رفت و اینجا با سفیان ثوری و فضیل عیاض و ابویوسف  
عمولی صحبت داشت و بشام رفت آنجا کتب میگرد در طلب حلالا ناظ و دانی  
مسکون و وی واحد است و اناهل که مات و ولایت است و بشام از دنیا رفت  
در سنه احدی و اثبتین و سنین ماهه و یقال انی سنه سنه و سنین و هذا اکثر  
علا ابراهیم ادهم همراه شد و هم را می وی بر کشید چون سخن است که حدیث

بسیار حواشی در حاشیه چپ این صفحه درج شده است. این حواشی به تفسیر و توضیح کلمات و عبارات خاص در متن اصلی می‌پردازد. در این حواشی، به سبب و علل برخی از روایات و نیز به بیان ویژگی‌های خاص برخی از شخصیت‌های ذکر شده در متن پرداخته شده است.